

نفوذ اسرائیل در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

علیرضا خسروی

دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

زمستان ۱۳۹۳

کتابخانه عمومی شهید بهشتی تهران - تهران - ۱۳۹۳ - ۲۹۷۱/۲۹۷۲ - ۲۹۷۱/۲۹۷۲ - ۲۹۷۱/۲۹۷۲

www.ketaboo.com

سرشناسه: خسروی، علیرضا، ۱۳۴۰

عنوان و نام پدیدآور: نفوذ اسرائیل در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران/ علیرضا خسروی

مشخصات نشر: تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۳۰۰ ص؛ رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۶۸-۴-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: عراق -- تاریخ -- دخالت اسرائیل/ یهودیان -- عراق/

اسرائیل -- روابط خارجی -- عراق/ عراق -- روابط خارجی -- اسرائیل

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۷ ۱۳۹۳/۹۵/DSY

رده‌بندی دیویی: ۹۵۶/۷۰۴۴۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۹۰۸۵



بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

نفوذ اسرائیل در عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران

علیرضا خسروی

مشخصات نشر: تهران، بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی

نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۱

ویراستار: ثمینه دریایی

صفحه‌آرا: عارفه مهدوی

طراح جلد: شیما اثنی‌عشری

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: اسری

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

نشانی: تهران، خیابان دیباجی جنوبی، خیابان شهید تسلیمی، خیابان شهید نماز زاده،

کوچه دادآفرین، پلاک ۶

تلفن: ۲۲۵۷۹۱۹۲-۵ نمابر: ۲۲۷۶۱۲۶۴ صندوق پستی: ۱۹۳۹۵-۷۳۸۵

www.iranemoaser.com

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه ناشر
۳۳	بیشگفتار

فصل مقدماتی

۳۷	مقدمه
۴۲	چهار چوب نظری
۴۳	تفکر تلمودی و مرزهای اسرائیل سبب رین راهبرد حفظ بقا
۴۹	استراتژی اقتصادی
۵۱	بازتعریف استعمار؛ حمایت از حکومت‌های مستعبد و ررتجع عرب
۵۲	استراتژی پیرامونی

فصل اول نقش اسرائیل در جنگ عراق

۶۱	نقش اسرائیل در جنگ امریکا علیه عراق
۶۴	سیاست خارجی امریکا در خاور میانه
۶۸	رابطه استراتژیک امریکا و اسرائیل و نقش آن در جنگ امریکا علیه عراق
۷۴	لابی‌های یهود و تأثیر آن در سیاست خارجی امریکا
۷۸	رابطه نئوکان‌ها با اسرائیل و تأثیر آنها در جنگ علیه عراق
۹۰	برخی از نتایج منفی جنگ امریکا علیه عراق از نگاه منتقدان غربی
۹۳	جمع‌بندی

فصل دوم | زمینه‌ها و نشانه‌های حضور اسرائیل در عراق

۹۷	زمینه‌های حضور اسرائیل در عراق
۹۸	حضور اقلیت یهود در عراق
۹۹	تاریخچه حضور یهود در عراق
۱۰۳	نفوذ جنبش صهیونیسم به عراق و وضعیت یهودیان
۱۰۴	تشکیل دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ و وضعیت یهودیان
۱۰۷	ظهور رژیم بعثی در عراق و حضور اسرائیل
۱۰۹	صدام و نگرش او نسبت به یهود و اسرائیل
۱۱۶	کردستان عراق و زمینه حضور اسرائیل در عراق
۱۱۶	الف) اشتراکات بین اسرائیل و کردها
۱۱۷	ب) روابط تاریخی میان اسرائیل و کردهای عراق
۱۱۹	ج) آژانس یهود و رابطه با اکراد عراق
۱۲۱	اسرائیل و رابطه با اکراد عراق
۱۲۴	علل توجه اسرائیل به کردها
۱۳۴	علل توجه کردها به اسرائیل
۱۳۷	نقش ایران در ایجاد زمینه حضور اسرائیل در عراق
۱۴۳	بیانیه ۱۹۷۵ الجزایر و تأثیر آن بر روابط اسرائیل با کردها
۱۴۴	بهره‌برداری از کردها توسط شاه و واکنش اسرائیل
۱۴۷	نشانه‌های حضور اسرائیل در عراق پس از صدام
۱۴۸	واکنش کشورهای منطقه
۱۵۰	افشای دست داشتن اسرائیل در قتل مقامات عراقی
۱۵۱	خرید زمین‌های حاصلخیز در مناطق شمالی عراق
۱۵۲	حضور بازجوی اسرائیلی در ابوغریب
۱۵۳	تنش در روابط اسرائیل و ترکیه

فصل سوم | کسب منافع اقتصادی و افزایش حضور اسرائیل در عراق پس از صدام

۱۶۱	ماهیت طرح منطقه‌ای اسرائیل
۱۶۲	مکانیسم ایجاد نظام منطقه‌ای

۱۶۳	زمینه‌ها و نشانه‌های پروژه‌های اقتصادی منطقه‌ای اسرائیل
۱۶۵	واکنش برخی از کشورهای عربی به استراتژی اقتصادی اسرائیل
۱۶۸	تأمین منابع آب (حل بحران آب)
۱۷۳	طرح‌های اسرائیل برای حل بحران آب
۱۷۳	طرح رود جدید اردن
۱۷۴	طرح جانسون
۱۷۵	لوازم‌های سلح
۱۷۶	عراق و فرصت‌های موجود در آن برای حل بحران آب خاورمیانه
۱۸۰	نفق عراق و افزایش حضور اسرائیل در این کشور
۱۸۳	احیای غل‌لوله رعل - حیفا
۱۸۶	شرکت‌های سراب‌یاب در عراق

فصل چهارم | خصومت ایران و تلاش تهدیدات علیه امنیت ملی ج.ا.ا

۱۹۵	مقدمه
۱۹۶	ایران و اسرائیل؛ از رابطه تا خصومت
۱۹۶	شکل‌گیری اسرائیل و واکنش ایران
۱۹۸	قطع روابط و تعطیلی کنسولگری
۱۹۹	کودتای ۲۸ مرداد و گسترش روابط (دکترین بن‌گوریون)
۲۰۰	نفق ایران برای اسرائیل
۲۰۱	استقرار نمایندگی اسرائیل در ایران
۲۰۲	علل مؤثر در سیاست شاه نسبت به اسرائیل
۲۰۶	انقلاب اسلامی ایران: پایان رابطه، آغاز خصومت
۲۰۷	رژیم شاه: پایگاه نظامی اسرائیل
۲۰۷	تحریم و دفع اسرائیل
۲۰۸	کمپ‌دیوید به ضرر همه کشورهای منطقه است
۲۰۹	شناسایی اسرائیل: فاجعه‌ای برای مسلمین
۲۰۹	به اسرائیل، نفت نخواهیم فروخت
۲۱۰	اسرائیل مستثنی است

۲۱۰	اسرائیل باید از صحنه روزگار محو شود
۲۱۶	اسرائیل در عراق و تهدید علیه ایران
۲۱۶	خلأ استراتژیک در عراق و جدال دولت‌های همسایه
۲۱۷	جلوگیری از نفوذ ایران در عراق
۲۲۲	الف) تضعیف شیعیان و ترور شخصیت‌ها
۲۲۴	ب) حمایت از گروه‌های مخالف ایران
۲۲۸	آرمی استلال خواهی کردها و فرصت‌طلبی اسرائیل
۲۲۸	حمایت از فدرالیسم کردی
۲۳۶	کردستان عراق را باز استقلال: از مواضع دوپهلوی تا اقدام عملی
۲۳۶	اشغال عراق و تصویب قانون اساسی بر فدرالیسم
۲۳۹	تجزیه و استقلال کردستان
۲۴۰	خیزش‌های مردمی، کمپورهای عربی و احیای بیش از پیش تمایلات استقلال طلبانه
۲۴۱	اوضاع نابسامان سیاسی عراق و بداندان دولت مرکزی (نخست‌وزیری نوری مالکی)
۲۴۲	احیای سایکس پیکو و تصریح شکست سیر کردستان بزرگ
۲۴۳	فتنه تکفیری داعش و بحران داخلی عراق: علی شریعتی
۲۴۶	جاسوسی و کنترل فعالیت‌های ایران
۲۵۴	کردستان عراق و ترور دانشمندان هسته‌ای
۲۵۸	ایجاد بازدارندگی

فصل پنجم | نتیجه‌گیری

۲۶۳	نتیجه‌گیری
۲۸۱	کتابنامه
۲۹۵	نمایه

مقدمه

مروری بر جریان تاریخ و رسیدن به شاخص در منطقه‌ای اسلامی - عربی، که بعدها از سوی غربی‌ها خاورمیانه نامید شد، نشان می‌دهد که به‌رغم سال‌ها سيطرة و سلطه استعمار بر کشورهای این منطقه، و بحران‌های مهم در قامت دو وصله نجسب، از روایتی مشابه برخوردار بوده‌اند. واقعه نخست که تاریخ آن حدوداً به ۸ قرن پیش برمی‌گردد، روایت داستان صلیبی‌ها و فرانک‌هایی است که ترسناک‌ترین پیروزی سریع، پادشاهی بزرگی از قدس تا اسکندرون تشکیل دهند و حدود ۹۰ سال با بنایاتی کم‌نظیر بر این منطقه حکمرانی کنند. این پیروزی و بقای ۹۰ ساله آن که پیش از همه ناشی از نبود یک ارتش واحد اسلامی و اختلافات داخلی میان امیرنشین‌های منطقه بود، در سال ۱۱۸۷ میلادی با قیام صلاح‌الدین ایوبی و شکست صلیبی‌ها، قطعه‌ای از نشان از تاریخ این منطقه را تشکیل می‌دهد که یادآوری آن، همواره ترس و وحشت هولناکی را بر هر متجاوز غاصبی مستولی می‌سازد. خاورمیانه، قرن‌ها پس از نبرد حطین^۱، تحت حاکمیت

۱. واقعه‌ای که در آن شوالیه‌های ارتش صلیبی به رهبری شاه گوی لوسیگنان، حدود هشت قرن پیش، برای نبرد با ارتش مسلمانان به فرماندهی صلاح‌الدین ایوبی و شکست قیام او به سمت دریاچه طبریه حرکت کردند لیکن مسیر طولانی و نداشتن آب کافی، فرصتی را به یاران ایوبی داد تا با محاصره دریاچه طبریه و غیر قابل استفاده کردن چاه‌های اطراف آن، برگ برنده را در اختیار داشته باشند. به این ترتیب در صبحگاه بیست و هفتم ماه رمضان، یاران ایوبی پس از محاصره صلیبیون در زیر تپه حطین، حمله را آغاز نمودند و توانستند ارتش

مسلمانان به حیات خود ادامه داد و به طور کلی به دریای مسلمانان مبدل شد. ۸ قرن پس از شکست حطین و ۶ قرن پس از واقعه به دریا ریختن صلیبیون به دست مسلمانان، این بار منسوبین دین دیگری، با حمایت غرب تصمیم به امتحان همان مسئله گرفتند و با هدف تأسیس دولتی صهیونیستی، مبدأ خلق واقعه‌ای شدند که می‌توان تمامی حوادث و رویدادهای منطقه خاورمیانه را متأثر از شکل‌گیری این دولت و پیامدهای معطوف به آن دانست. این ترتیب، واقعه دوم یا تشکیل دولت غصبی در خاک مسلمین و ورود خارجی‌ها به خاورمیانه پس از گذشت قرن‌ها از شکست صلیبیون در جنگ حطین، داستان دیگری است که به نظر می‌رسد مرور پیامدها و فرآیندهای بعدی منبعت از آن و آشکار شدن زوایای جدید آن، تنها روایتی جدید از داستانی قدیمی باشد!

اگرچه اسرائیل، توانست از بدو تأسیس خود با اتکا بر قدرت نظامی و ضعف و افتراق میان دولت‌های منطقه، قیام اعراب فلسطین و خیزش چندین کشور مسلمان همسایه را در چهار جنگ ۱۹۴۸/۱۳۳۵، ۱۹۵۶/۱۳۴۶، ۱۹۶۷/۱۳۵۲ و ۱۹۷۳/۱۳۵۲، با شکست مواجه سازد و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و اقداماتی مشابه حرکت صلیبیون از جمله قتل عام و تصفیه شدید قومی پس از غصب فلسطین، اتخاذ استراتژی ایجاد وحشت و ترور به عنوان ضرورتی همیشگی، راه کشتار کودکان و زنان به شیوه‌هایی کاملاً وحشیانه همچون کشتار دیر یاسین و راه ساختن فلسطینیان از سرزمین مادری شان امنیت و ثباتی نسبی به دست آورد. اقدامات مذکور هرگز نتوانسته رهبران این رژیم را از کابوس مواجهه با یک «خطر» دیگر رهایی بخشد؛ از این رو، مشاهده اقدامات غیر معقول و دست یازیدن صهیونیست به ازارع و اقسام

صلیبی (مسیحیان غربی) را که ۹۰ سال پیش با پیروزی بزرگی به منطقه فلسطین وارد شده بودند (۱۰۹۹) و پادشاهی باشکوهی را در این جغرافیا (از قدس تا اسکندرون) تأسیس کرده بودند به شدت شکست دهند.

۱. صلاح‌الدین پس از پیروزی، برخلاف رویه مسیحیان، با مسیحیان رفتار بدی نداشت، اما باقیمانده‌های صلیبی‌ها پس از تصرف قلعه عکا، پادشاهی جدیدی را تأسیس کردند و در ادامه رفتارهای توسعه‌طلبانه خود، این بار پس از شکست مجدد از مسلمانان به دستور شاه جوان، خلیل‌الاشرف، به دریا ریخته شدند (۱۲۹۱).

۲. جنگ استقلال که با شکست اعراب، منجر به تصرف سرزمین‌های بیشتری از آنچه سازمان ملل به آنها تخصیص داده بود گردید یعنی تمام فلسطین به جز بخش غربی رود اردن، شهر غزه و نوار غزه.

۳. خاک اسرائیل در یک جنگ عروزه، سه برابر بزرگ‌تر شد.

راهکارهای تضمین بقا نظیر گسترش شهرک‌های صهیونیستی، ابتکارات منسوخ جنگ سرد همچون دیوار حائل و ... مؤید ناآرامی و عدم اطمینان خاطری است که همچون کابوسی مرگ‌بار، صاحبان خود را رهانمی‌سازد. مسلم است که مصونیت تبعی در شورای امنیت سازمان ملل (به واسطه حق وتوی امریکا) قدرت نظامی، انواع استراتژی‌ها و ترفندهای صلح و جنگ، هیچ‌یک نتوانسته است اسرائیل را از این ترس‌رهای بخشد. به این ترتیب، موجودیت اسرائیل با تهدیدی همیشگی روبه‌رو است و دایما در شرایط جنگی قرار دارد؛ به عبارتی دیگر، باقی ماندن دولت یهودی در جغرافیای اسلام، برخلاف اصول غیرقابل تغییر تاریخ است و روال طبیعی، دفع عنصر خارجی وارد شده به این بنیه به دلیل ناسازگاری، بافت آن می‌باشد؛ اسرائیل تلاش می‌کند این تقدیر تاریخی را به مبارزه بطلبد.

از یک سو، اتکال به ارتش - رچی نظیر امریکا، به رغم نقش بی‌بدیل آن در بقای اسرائیل، ضمانتی همیشگی ایجاد نمی‌کند؛ تاریخ، دستخوش تحولاتی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان، اسرائیل را از این اسباب بزرگ محروم نماید. از سویی دیگر، افزایش قدرت دشمنان اسرائیل، زنگ خطر جدی برای موجودیت این رژیم خواهد بود. بنا به دلایل مذکور، صهیونیست‌ها برای بقای خمش و گریز از فروپاشی، مجبور به اتخاذ تمهیدات و راهبردهایی بنیادی‌اند که شاکست و فهم درست آنها برای جریانات و ملت‌های مسلمان و مبارز منطقه امری ضروری است که به عنوان مانع از غافلگیری‌های مجدد آنها در آینده شود.

آنچه ما با استفاده از شواهد و مصادیق عینی و نیز اسناد و مدارک تاریخی در صدد تبیین آن هستیم، تمرکز بر جنگ عراق و افزایش حضور اسرائیل در این کشور است. لذا سعی می‌شود با واکاوی نقش اسرائیل در این جنگ و اهداف و دلایل افزایش حضور اسرائیل در عراق پس از صدام، حلقه‌های مفقوده راهبردی صهیونیستی که تحقق آن می‌تواند تهدیداتی بنیادی را برای کشورهای منطقه و امنیت ملی جمهوری اسلامی

۱. اقتباس از هارون یحیی، «استراتژی اسرائیل در خاور میانه»، ترجمه اسدالله سلیمانی، تهران، دانشکده امام باقر (ع)، ۱۳۸۵.

ایران در پی داشته باشد، کشف و مشخص نماییم. بدون تردید، حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله امریکا به عراق که به اعتقاد بسیاری، طراحی و برنامه‌ریزی آن از سوی طرفداران سرسخت اسرائیل در کاخ سفید و پنتاگون صورت گرفت (به گونه‌ای که ریچارد پِرل و وولفوویتز پس از حوادث یازدهم سپتامبر و حتی قبل از آن، طرح حمله نظامی به عراق را به بوش ارایه داده بودند و بوش نیز به صورت تلویحی به آن جواب مثبت داده بود) و سقوط حکومت به شی‌راباید در کنار تمامی متغیرها و پیامدهای دخیل در جنگ، نقطه عطفی برای رژیم صهیونیستی و به نوعی یک دستاورد قابل ملاحظه برای اسرائیل تلقی نمود. سقوط صدام این فرصت را برای اسرائیل فراهم ساخت تا رؤیاهای خود را تا آنجا که مقدوراتش اجازه می‌دهد عملی کند. تیساح رونتال (فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش اسرائیل) در این رابطه می‌گوید: «از بین رفتن تهدیدات عراق و سقوط صدام، فرصت‌هایی را برای اسرائیل فراهم ساخته که باید از آنها بهره‌برداری نماید».^۲

در واقع، اسرائیل حضور اشغالگرانه در عراق، فرصتی محوری برای خود به‌شمار آورده و به انجای مختلف سعی نموده است حضور خود را در بخش‌های مختلف، هر چند تحت پوشش شرکت‌های آمریکایی، افزایش دهد. اما اینکه این حضور و فرصت‌سازی در کدام بستر تاریخی، نظری و ژئوپلیتیکی قابل تبیین است و چگونه می‌تواند تفسیری منطقی برای فهم و درک صنایع اهداف و برنامه‌های آتی صهیونیست‌ها فراهم سازد، مسئله پیچیده‌ای است که تشریح آن بخشی از دغدغه اصلی نویسنده را به خود اختصاص داده است. در این کتاب سعی خواهد شد ضمن تشریح نقش اسرائیل در جنگ امریکا علیه عراق، با طرح این پرسش‌ها و اهداف اصلی افزایش حضور اسرائیل در عراق پس از صدام کدام‌اند، به سؤالات مرتبط دیگری که به نوعی سازماندهی فصول مختلف این کتاب را نیز شکل می‌دهند، پاسخ دهیم. در کنار تمامی تحلیل‌ها و اظهارنظرات صورت گرفته پیرامون جنگ عراق و دیدگاه‌های مختلف ارایه شده از سوی محققان و نویسندگان، ما بر سه متغیر تأمین نفت مورد نیاز،

1. [http://www.ihr.org/leaflets/iraq war.shtml](http://www.ihr.org/leaflets/iraq%20war.shtml). (A War for Israel)

۲. احمد فراهانی، «اسرائیل و محیط امنیتی جدید عراق؛ اهداف و رویکردها»، کتاب *خاورمیانه: ویژه حضور اسرائیل در کشورهای همجوار ایران*، تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۰۶.

خروج از بحران آب و خصومت شدید میان ایران و اسرائیل تمرکز و از این میان، بر مورد اخیر به عنوان اصلی ترین دلیل و هدف اسرائیل از افزایش حضور در عراق پس از صدام به عنوان فرضیه اصلی خود، تأکید می نماییم. ضدیت اعراب و مسلمانان با اسرائیل از یک سو و مسائل داخلی فلسطین اشغالی از سوی دیگر، علاوه بر اینکه این رژیم را با معضل همیشگی ناامنی مواجه ساخته، موجب عقیم ماندن سایر تلاش ها و اقدامات این رژیم نظیر کفرانس ها و مذاکرات صلح خاورمیانه نیز شده است. از میان کشورهای منطقه خاورمیانه سه کشور ایران، سوریه و عراق (دوران صدام) از مهم ترین و اصلی ترین موانع و دشمنان اسرائیل در دستیابی به اهداف آن بوده اند. بنابراین، فروپاشی حکومت صدام، این فرصت را به اسرائیل داد تا اقدامات و طرح های خود را به طور خاص بر روی ایران متمرکز سازد؛ از این جهت حملات های همه جانبه امریکا از اسرائیل، شرایط به وجود آمده در عراق و افزایش حضور اسرائیل در این کشور، این رژیم را قادر می سازد تا زمینه های لازم را برای فشار و تهدید علیه ایران در راستای ایجاد بازدارندگی و یا منازعه احتمالی فراهم سازد. بی شک تبیین چگونگی تحقق این تهدید، بخش مهمی از این پژوهش را تشکیل می دهد.

مطالعات اولیه نشانگر آن است که در ارتباط با حضور یهود و اسرائیل در عراق به جز چند اثر محدود که بیشتر جنبه تاریخی داشته اند (روشنایان را مبردی)، پژوهش خاصی صورت نگرفته است. این محدودیت به ویژه در خصوص حضور اسرائیل در عراق پس از صدام و اهداف این رژیم در این کشور، مشهود است. با وجود این، آثار متعددی در زمینه های نظری و اظهار نظرات مقامات و تحلیلگران مختلف و شواهد و قرائن فقهی وجود دارد که هر کدام به گونه ای به اهداف اسرائیل در منطقه پرداخته اند. اما نکته قابل توجه در رابطه با این منابع این است که به دلیل نگرش خاص بسیاری از این منابع که نوعاً، به رسانه های کشورهای عربی وابسته هستند گاهی اوقات، اخبار و اظهار نظرانی منتشر می شود که از یک سو ارایه آن نیازمند دسترسی به اطلاعات محرمانه است و از سوی دیگر پذیرش آن معقول به نظر نمی رسد و در نتیجه امکان استناد را با محدودیت ها و موانعی روبه رو می سازد؛ از این رو در این پژوهش سعی شده است تا جایی که ممکن است هیچ استنادی

به این منابع صورت نگیرد و تنها در صورت تواتر نقل آن خبر خاص، به منبع نقل خبر اشاره شود.

چهار چوب نظری

همان گونه که اشاره گردید، آنچه اساس و محور سیاست‌های صهیونیست‌ها را از چند دهه پیش تاکنون شکل داده است، وحشت و نگرانی همیشگی از وقوع حطین دیگری است که می‌تواند در هر زمانی، موجودیت و بقای آنان را با خطری جدی مواجه سازد. این ترس که ریشه در عصب نژادپرستانه سرزمین فلسطین و در نتیجه محاصره شدن در دریای مسلمانان دارد، همواره صهیونیست‌ها را در تکیه ننگ داشته و اگر چه به واسطه پشتیبانی غرب و به ریشه‌یابی آمریکا توانسته‌اند، به امنیتی مادی و مقطعی دست یابند، لیکن هیچ‌گاه از لحاظ ذهنی، امنی را احساس نکرده و در نتیجه در ناامنی همیشگی به سر برده‌اند. در چنین شرایطی حفظ بقا و موجودیت، که اصلی‌ترین هدف تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها را تشکیل می‌دهد، در تکرار صهیونیستی شکل خاصی می‌یابد که مهم‌ترین ویژگی آن، نامحدود بودن دامنه بویژه‌پذیری اقدامات معطوف به بقا و مهم‌تر از آن، غیر معقول بودن بسیاری از راهبردها و واضع‌علان، رهبران صهیونیستی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن، ریشه در آموزه‌ی «تایفود» دارد. از این رو، اهداف، آرمان‌ها و سیاست‌های صهیونیستی در منطقه خاورمیانه و تراضات اعراب و مسلمانان با این رژیم، از بدو شکل‌گیری آن تاکنون، زمینه اصلی بروز اکسپانسیون‌ها، چالش‌ها و تعاملات بین‌دولتی در منطقه خاورمیانه در چند دهه اخیر بوده و این منطقه را به کانون بحران‌های بین‌المللی مبدل ساخته است. ملت‌های منطقه، اسرائیل را به عنوان تهدیدی برای خود و رژیمی نامشروع و غاصب در منطقه به حساب می‌آورند. از سویی

۱. دیدگاه صهیونیست‌هایی که به واسطه قدرت و نفوذ گسترده در ارگان‌ها و نهادهای اطلاعاتی و نظامی، دولت پنهان را در اسرائیل شکل داده‌اند و جهت‌گیری‌های اصلی صهیونیستی، در دیدگاه‌ها و سیاست‌های آنان ریشه دارد، حفظ موجودیت اسرائیل، نه به صلح بلکه به خو گرفتن دائمی به جنگ بستگی دارد. از نظر ویکتور استروفسکی (مأمور سابق موساد) این نوع نگاه، دولت اسرائیل را به عنوان یک دولت جنگی و نظامی معرفی می‌کند؛ از این رو، اقدام برای برقراری صلح واقعی، وضعیت اقتدار نظامیان را از بین می‌برد و آنان را به روندی منجر به شکست، وارد می‌سازد.

دیگر، اکثر مواضع، دیدگاه‌ها، تحقیقات و پژوهش‌های علمی صورت گرفته در خصوص خاورمیانه به نحوی به رژیم صهیونیستی و تعارض اعراب و اسرائیل با یکدیگر ارتباط یافته و تلاش‌های صورت گرفته از سوی نهادهای بین‌المللی و دولت‌های بزرگ جهانی نیز به نوعی معطوف به روابط میان اسرائیل و کشورهای منطقه و صلح خاورمیانه بوده است. در این میان مؤسسات مطالعاتی و پژوهشی اسرائیل با نگاهی عمیق‌تر به مسئله، علاوه بر انجام تحقیقات علمی و ارایه راهکارهایی برای تحقق اهداف اسرائیل، به ارایه مبانئ نظری و راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه نیز پرداخته‌اند که مهم‌ترین، ریشه‌دارترین و پراچاع‌ترین آن را می‌توان در قالب استراتژی پیرامونی این رژیم به‌شمار آورد. در ادامه و پیش از پرداختن به رئوس استراتژی پیرامونی صهیونیست‌ها، نگاهی گذرا به برخی از استراتژی‌های صهیونیستی در تضمین بقا و امنیت می‌افکنیم، تا در متن این مباحث، موضوع مهم این کتاب نیز جایگاه خود را بر جسته‌تر سازد.

تفکر تلمودی و مرزهای اسرائیلی: مبنایی‌ترین راهبرد حفظ بقا

تلمود و آموزه‌های آن، که در مقام مبنایی و بنیستی به‌عنوان ایدئولوژی رسمی صهیونیسم مورد پذیرش قرار گرفته است، بیش از همه در بین یهودیان ارتدوکس رواج و به‌عنوان منبع درجه یک دین، نقش برجسته‌ای در جهت‌گیری سیاست‌های صهیونیست‌ها دارد. گسترش سرزمین و تفکر یهودی‌سازی به‌عنوان یکی از تفکرات منبعث از آموزه‌های تلمودی، یکی از مبنایی‌ترین راهبردهای صهیونیستی را در راستای حفظ بقا و موجودیت آن تشکیل می‌دهد. از نظر اسرائیلی‌شاهاک، بخش مهمی از ایدئولوژی یهود عبارت است از آزادسازی مناطق و به عبارتی تصاحب از رزق یهودیان و در مرحله بعد واگذاری آن به یهودیان. صهیونیست‌ها بر اساس چنین تفکری با یورش به سرزمین‌های فلسطینی و تصاحب زمین‌های مادری آنان، اقدام به شهرک‌سازی‌های گسترده برای یهودیان نموده‌اند. علاوه بر این، دلیل اصلی گسترش مرزهای اسرائیل در سال‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۶۷ ریشه در همین ایدئولوژی دفع‌کننده دارد^۱ که در

۱. اسرائیل شاهاک، تاریخ یهود، بین یهود، سابقه سه هزار ساله، ترجمه رضا آستانه‌پرست، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۸، صص ۳۷-۳۰.

مقام عملیاتی، با هدف کاهش ترس و ایجاد امنیت و تضمین بقا، معنا می‌یابد. نکته حائز اهمیت این است که این مناطق، تنها محدود به سرزمین فلسطین و اطراف آن نیست و صهیونیست‌ها منطبق بر آموزه‌های *تورات* تحریف‌شده و احکام خودساخته تلمودی، منطقه وسیعی را که محدوده آن از نیل تا فرات گسترش می‌یابد به عنوان «سرزمین‌های وعده داده شده» در متن استراتژی خود قرار داده‌اند.^۱ در باب ۱۵ کتاب *تکوین تورات* این گونه آمده است: «خدا آن روز با ابراهیم عهد کرد و گفت: از رود مصر تا رود بزرگ، این دیار را تا رود فرات، کنی‌ها، خلیق‌ها، کادمونی‌ها، هنتی‌ها، پریزی‌ها، رفالی‌ها، آموری‌ها، کنعانی‌ها، گیرگاش‌ها و یوبوسی‌ها را به نسل تو دادم.» همچنین در آیه ۲۵ باب کتاب *تثنیه* نیز همان سرزمین‌های موعود و مرزهای مقدس ذکر شده است: «...مرزهایتان از بیابان و از لبنان و از رود فرات و دریای عرب خواهد بود. کسی نخواهد توانست در برابر شما مقاومت کند...»

اسرائیل شاهاک با توجه به نقشه‌های روزی، گسترده‌ترین و مقبول‌ترین نقشه‌ای را که شامل تمامی مناطق مورد اشغال، *تورات* می‌شود این گونه توضیح می‌دهد: از میان نقشه‌های موجود، مرزهای بزرگ‌ترین نقشه موجود، مناطق ذیل را شامل می‌شود: در جنوب، تمام شبه جزیره سینا و بخشی از شمال مصر که تا قاهره امتداد می‌یابد، در شرق تمام رود اردن

۱. خوانندگان مستحضرند که حتی بعضی از صهیونیست‌های افراطی، مخدوم‌های کوچک و ریزه ایرانی دارند، داستان مطامع سرزمینی خود را از محدوده نیل تا فرات وسیع‌تر می‌دانند. سعی می‌کنند که سرزمین موعود از وادی صهیون تا جولانگاه استر می‌باشد. بنابراین نسبت به بخش وسیعی از خاک سرزمین، تا دشت قزوین چشم طمع دارند و در توهمات خود این بخش را جزء سرزمین موعود می‌پندارند. در این راستا می‌توان به مجموعه سه جلدی *پایانوند مجموعه مقالات* به سرپرستی آمنون نتصر، نشر مزدا، لس آنجلس، که مطالب آن عمدتاً مقالات تاریخی و با تأکید بر فرهنگ و ادب یهودیان ایرانی می‌باشد و همچنین به کتاب *فرزندان استر (Esther's Children)*، نوشته هومن سرشار، نشر مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی (به زبان انگلیسی) که کتابی است مصور از اوضاع و احوال یهودیان ایرانی در دوره‌های مختلف، تحت عناوین و محورهای خاص همچون هخامنشیان، آرامگاه استر، دانیال نبی، ساسانیان، جهود فارس، ادبیات فارسی یهود، صفویه، اسلام و قرون وسطی، تلمود بابلی، آلیانس، لباس و آرایش، نامداران، مادران و دختران، سلطنت پهلوی و انقلاب اسلامی ... و کتاب *یهودیان ایرانی در تاریخ معاصر*، مجموعه مقالات، نشر مرکز تاریخ شفاهی یهودیان ایرانی، کالیفرنیا که در چهار جلد منتشر شده است و کتاب *خاطرات منیر عزری (سفیر اسرائیل در ایران)* و کتاب *از وادی صهیون تا جولانگاه استر* اثر آقای علیرضا سلطان‌شاهی که توسط بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است مراجعه کرد.

و منطقه شمال عربستان، تمام کویت و بخشی از عراق؛ در شمال همه سوریه و لبنان و بخش بزرگی از ترکیه تا دریاچه وان و در غرب، قبرس^۱

بنابراین، تفکر مذکور که در ایده‌های تنودور هر تزل (از بنیانگذاران اولیه اسرائیل) نیز ظهور و بروز یافته و شالوده تفکرات صهیونیستی را تشکیل داده است، این رژیم را ماهیتاً ذاتاً گسترش‌گرا و توسعه‌طلب ساخته است. در ماه می ۱۹۴۸ استراتژی ایجاد و استقرار دولت یهود در فلسطین تحقق یافت و اسرائیل به بهای کشتار و آوارگی بیش از یک میلیون فلسطینی، انهدام و تصاحب بیش از پانصد شهر و آبادی و کشتار صاحبان ساکنان آن، سرزمین فلسطین اعلام موجودیت کرد. استراتژیست‌های صهیونیست و پایه‌گذاران اسرائیل در ضد، آنتی سمیتیسم را حربه‌ای کارا و مؤثر یافتند و بلافاصله اعلام کردند که در محاربه دینی اعراب و مسلمانان قرار گرفته‌اند و موجودیت آنها در معرض تهدید و خطر است؛ برای این، تأمین امنیت جامعه یهودی در فلسطین، توجیه و پوشش مناسبی برای شعار دفاع از امنیت بود. بهانه مجهول الهویه هولوکاست هنوز در اذهان زنده بود و آنها هر تجاوز و تهاجمی به سرزمین‌ها و کشورهای اطراف را به بهانه دفاع از امنیت خود و جلوگیری از وقوع هولوکاستی دیگر مجاز می‌شمردند و حتی جامعه جهانی را نیز توجیه و با خود همراه می‌ساختند. ریشه این توجیهات را باید در اندیشه بنیانگذاران اسرائیل جست‌وجو کرد زیرا تزل (بنیانگذار اولین کنگره یهودیان)، دکترین خود را برای استقرار دولت یهود در سرزمین فلسطین بر ریشه‌کن‌سازی عرب‌ها و کوچاندن آنها به هر شیوه ممکن، استوار ساخته بود هر چند که برداشت‌ها و تعبیر مختلفی از این دکترین صورت گرفته است اما بعدها سردمداران اسرائیل این اندیشه را به صورت عملی تفسیر نمودند. موشه دایان پس از جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ از گسترش دکترین هر تزل، یعنی سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل، پرده برداشت و گفت:

پدران ما به مرزهای شناخته‌شده در طرح تقسیم فلسطین دست

یافته‌اند. نسل ما نیز به مرزهای سال ۱۹۴۸ رسید و اکنون نسل جنگ شش‌روزه به سرزمین سوئز و اردن و بلندی‌های جولان دست پیدا کرده است؛ این پایان راه نیست. پس از طرح‌های کنونی آتش‌بس، طرح‌های نوینی پیش روی ماست که تا آن سوی اردن و شاید تا لبنان و میانه سوریه بسط یابد.^۱

براساس همین ایده‌ها بود که جنگ‌های پیاپی اعم از جنگ‌هایی که از سوی اعراب آغاز می‌شد در موضع دفاع از خود وارد جنگ می‌شد و از سویی دیگر جنگ‌هایی که این رژیم تحت استراتژی جنگ پیشگیرانه آغاز گر آن بود، فرصت‌های مناسبی را برای تحقق استراتژی بسط سرزمینی با ابزار نظامی فراهم می‌ساخت. در سال ۱۹۵۶/۱۳۳۴، اسرائیل با همکاری مشترک رسمی فرانسه و انگلستان، تهاجم نظامی گسترده‌ای را از زمین، دریا و هوا علیه مصر آغاز کرد. آنها ملی شدن کانال سوئز از سوی جمال عبدالناصر (رئیس‌جمهور وقت مصر) و تأمین امنیت و منافع اقتصادی اسرائیل را بهانه‌ای برای انهدام تأسیسات اقتصادی، نظامی و مراکز و مؤسسات استراتژیک مصر اعلام کردند.^۲

در سال ۱۹۶۷/۱۳۴۶ بهانه‌های مشابه اسرائیل، مه‌جب تهاجم نظامی اسرائیل علیه مصر و سوریه شد. اسرائیل فرضیه دفاع از امنیت خود را، توجیه مناسبی برای اشغال کرانه غربی رود اردن، نوار غزه، صحرای سینا و بلندی‌های جولان ارزیابی کرد و این شعار صهیونیستی در جامعه اسرائیل سر داده شد که «برای دفاع از خود، جنگ را به خانه دشمن ببر و اولین ضربه را تو وارد کن!». صهیونیست‌ها با همین انگیزه و استراتژی، با شعار پوششی امنیت الجلیل، در سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱، تهاجم وحشیانه‌ای را به لبنان آغاز و تادروازه‌های شهر بیروت پیشروی کردند. در این تجاوز سفاکانه سراسر لبنان و فلسطینی به خاک و خون کشیده شدند که کشتار معروف صبرا و شتیلا هنوز در اذهان

۱. الفردم لیلیان‌تال، *ارتباط صهیونیستی*، ترجمه: ابوالقاسم حسینی، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۴۲۴.

۲. محمدتقی تقی‌پور، *استراتژی پیرامونی اسرائیل*، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۳، ص ۱۸.

جهانیان زنده است.^۱ در همین راستا رافائل ایتان (رئیس ستاد ارتش اسرائیل) یکی از ابعاد واقعی جنگ امنیت الجلیل را برای سربازان خود فاش کرد و گفت: «ما برای ارض اسرائیل نبرد می‌کنیم یعنی ما در تعقیب استراتژی اسرائیل بزرگ هستیم».^۲ در راستای همین راهبرد محوری بود که اندیشه پردازان اسرائیلی، مجهز کردن اسرائیل به سلاح‌های اتمی را سیاستی مبتنی بر قدرت بازدارندگی و تأمین امنیت صهیونیسم در منطقه ارزیابی و تفسیر کرده‌اند و لذا تمام تلاش خود را از همان ابتدا برای هسته‌ای شدن اسرائیل به کار گرفتند. آریل لافیت (از مرکز مطالعات استراتژیک یافا) براین باور است که امنیت اسرائیل بر سه فرض اساسی بنا شده است:

۱. به طبیعت نزاع اعراب - اسرائیل متکی است؛ خلاصه این فرضیه این است که اسرائیل با خطر وجودی مواجه است که ناشی از نیت اعراب در نابودی آن می‌باشد. ۲. جهان، موضع بی‌ثباتی در ابر استمرار حیات اسرائیل در عرصه وجود به خود می‌گیرد؛ بنابراین بر اسرائیل است که امنیت خود را به‌صورت تقریباً کامل با تکیه بر توانایی ذاتی‌اش بنا نهد.

۳. اسرائیل قادر نیست با ابزار نظامی، بد نزاع اعراب - اسرائیل خاتمه دهد. بنابراین حداکثر آنچه می‌تواند از طریق قدرت نظامی به‌دست آورد، توانایی حفظ وضع موجود و نه توانایی برای تغییر آن است.^۳

از همین‌رو، اسرائیل اولین کشور خاورمیانه بود که در راستای دفاع اطمینان‌بخش از خود و افزایش قدرت نظامی و بازدارندگی، با کمک غرب و به‌ویژه ایالات متحده به سلاح‌های هسته‌ای مجهز گردید و در تکمیل این راهبرد، تمام تلاش خود را در حصار قدرت هسته‌ای در منطقه به‌عنوان آخرین حربه مقابله با ترس حطین به کار گرفت.

همان‌گونه که اشاره گردید ضعف سرزمینی یکی از نقاط ضعف اصلی اسرائیل به‌شمار می‌رفت؛ چراکه اصولاً وسعت سرزمین یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت یک کشور به‌ویژه

۱. همان، ص ۱۹.

۲. شیمون شیفر، توپ برفی، ترجمه محمود شمس، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۶، ص ۲۱.

۳. جمیل هلال، استراتژی اقتصادی اسرائیل در خاورمیانه، ترجمه سیدحسین سیدی و امیر سلمانی رحیمی، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۱، ص ۷۸.

در بعد نظامی آن به شمار می‌رود و اسرائیل به شدت از این بعد احساس ضعف می‌نمود و همین شرایط ژئوپلیتیکی، اساس بدبینی استراتژیکی بن‌گوریون را تشکیل می‌داد.^۱ این رژیم با توجه ویژه به بعد نظامی، به افزایش قدرت خود پرداخت و راه حل بحران سرزمینی را دستیابی به سرزمین‌های پیرامون خود از طریق جنگ و ابزارهای نظامی پنداشت. بنابراین، تصاحب مناطق موعود و تأسیس حاکمیتی در امتداد جغرافیایی مرزهای اشاره شده در آیات تورات و احکام تلمود، اساس تفکری است که تنها راه گریز از ترس نبودن را، تحقق آن می‌داند. با وجود این، اگر چه رهبران صهیونیست از تئودور هرتزل، در سال ۱۸۹۷، در افتتاحیه کنگره صهیونیستی در باسل) و دیوید بن‌گوریون (در سال ۱۹۲۷/۱۴۸۱، در سخنرانی مشهورش در اعلام تأسیس دولت صهیونیستی) گرفته تا رهبران ساختن هر چون آریل شارون و دیگران بر استراتژی مذکور و تحقق مرزهای سرزمین موعود تکیه می‌کردند، اما تحولاتی که با شکل‌گیری انتفاضه فلسطین و سپس قدرت گرفتن جریان مذکور در منطقه، همچون حزب الله لبنان بروز و ظهور یافت، عملاً سیاست‌های معطوف به دسترس سرزمینی را با چالش اساسی در میان احزاب و رهبران صهیونیستی مبدل ساخت. به گونه‌ای که امروز سخن از مرزهای مذکور حتی در میان خود صهیونیست‌ها نیز با تمسخر مواجه می‌شود.

سردمداران اسرائیل برای حل این بحران هم‌جگر به دنبال تغییر اساسی در استراتژی منطقه‌ای خود دست یازند. البته این بدان معنی نیست که اسرائیل از توجه خود به قدرت نظامی کاسته و این بعد از قدرت را در اهداف خود دست‌نبرد قرار نمی‌دهد بلکه برعکس، بسیاری از سران اسرائیل اصولاً پیشبرد اهداف اسرائیل در سطح امنیت آن را منوط به قدرت نظامی آن می‌دانند. ایهود باراک (نخست‌وزیر سابق اسرائیل) معتقد بود که:

عللی که به پذیرش مذاکره سیاسی بدون پیش‌شرط توسط کشورهای عربی منجر شد اولاً و قبل از هر چیزی به قدرت ارتش

۱. اؤنر کوهن، *اسرائیل و سلاح‌های هسته‌ای*، ترجمه رضا سعیدمحمدی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱، صص ۱۵-۱۴.

۲. هارون یحیی، همان، صص ۷۲-۶۷.